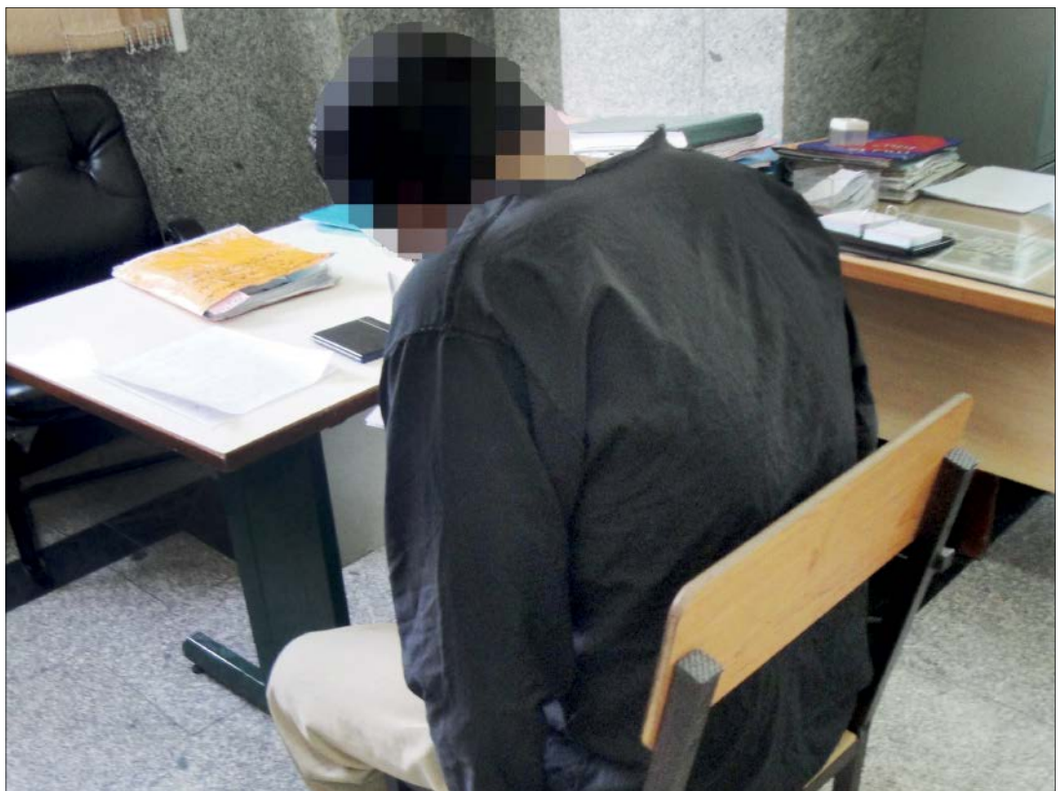
برخورد پلیس با تظاهرکنندگان به روزه‌خواری

پلیس در ماه رمضان با افرادی که تظاهر به روزه‌خواری می‌کنند، برخورد می‌کند.
به گزارش ایسنا، سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت در حاشیه بازدید از مرکز بازپروری و نگهداری از معتادان متجاهر سروش در جمع خبرنگاران گفت: رعایت حرمت ماه مبارك رمضان از سوی تمام افراد و اقشار جامعه واجب است و همه باید در این ماه یك سری موارد را رعایت کنند. هیچ‌کس نباید تظاهر به روزه‌خواری کند و پلیس به‌عنوان مجری قانون با مصادیق روزه‌خواری برخورد خواهد کرد.
وی افزود: واحدهای عرضه‌کننده غذا از بعد از سحر تا یك ساعت قبل از اذان مغرب اجازه فعالیت ندارند. سینماها نیز تا سحر می‌توانند فعال باشند و دیگر واحدهای صنفی نیز اگر قصد فعالیت تا سحر را دارند باید مجوز لازم را از پلیس اماکن اخذ کنند. واحدهایی که قصد عرضه مواد غذایی در طول روز را دارند باید یك سری الزامات را رعایت کنند و از پلیس اماکن مجوز بگیرند.





پلیس پس از ۶ سال قاتل خانواده ۳ نفره را شناسایی و دستگیر کرد

مستاجر جهنمی

محمد غمخوار
حوادث

مستاجر جنایتکار که سه عضو خانواده‌ای را به طرز هولناکی به قتل رسانده بود، پس از شش سال لب به اعتراف گشود. متهم ابتدا پسر خانواده را خفه کرد و بعد از آن مرد میانسال و همسرش را با شلیك گلوله کشت و جسدشان را به آتش کشید. متهم که در این شش سال منکر قتل شده بود، این بار در برابر دلایل پلیسی نتوانست سکوت کند.

جسدی در بزرگراه

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۲۰ خرداد سال ۹۲ و همزمان با کشف جسد پسر نوجوانی در کرج، انتهای باند شمالی اتوبان همت در دستور کار پلیس استان البرز قرار گرفت. تیم جنایی پس از حضور در محل کشف جسد با پیکر پسری حدودا ۱۷ ساله روبه‌رو شدند که شلوار جین آبی و پیراهن چهارخانه به تن داشت. دست و پای او با طناب بسته شده و بررسی جسد نشان می‌داد، مقتول خفه شده است.
پس از تحقیقات مقدماتی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان با بررسی پرونده افراد فقدانی به دنبال شناسایی هویت مقتول بودند. پس از گذشت ده روز از کشف جسد، خانواده پسر نوجوان شناسایی شدند. در تحقیقات از آنها مشخص شد، مقتول یاشار ۱۷ ساله و ساکن تهران است.

قتل‌عام خانوادگی

کارآگاهان در بررسی‌های خود دریافتند پدر و مادر یاشار هم به طرز مشکوکی ناپدید شده‌اند. کارآگاهان که با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو شده بودند به تجسس‌های خود ادامه دادند تا این‌که چند روز بعد جسد پدر خانواده به نام داوود ۶۰ ساله، کارمند یك شرکت داروسازی در جاده خاکی معدن در روستای زیاران آبیك کشف شد. بررسی جسد نشان داد، مقتول با سه گلوله به قتل رسیده است. کارآگاهان که احتمال می‌دادند مادر خانواده نیز قربانی جنایت شده باشد، جست‌وجو برای یافتن او را آغاز کردند. زن ۴۳ ساله به نام فریبا، معلم بود. پس از تجسس‌های گسترده جسد خانم معلم در خودروی ال ۹۰ خانواده کشف شد.
جسد روی صندلی کناررانده قرار داشت و پس از قتل با الکل به آتش کشیده شده بود.

شناسایی قاتل

با توجه به حساسیت پرونده، تحقیقات گسترده‌ای از سوی کارآگاهان انجام شد، اما به نتیجه‌ای نرسید و راز این جنایت سر به مهر باقی ماند.
از شش ماه قبل رسیدگی ویژه به این پرونده در دستور کار پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت و ماموران پس از شش ماه تحقیقات پی جویی به مردی به نام مجتبی و همسرش مشکوك شدند که قبل از قتل، مستاجر خانه مقتولان بودند.
با کشف سرنخ‌هایی از نقش این زوج در این قتل عام خانوادگی، دهم اردیبهشت امسال ماموران در دو عملیات جداگانه مجتبی و همسرش را در حوالی میدان فلسطین تهران دستگیر کردند.
متهمان پس از انتقال به اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی استان البرز تحت بازجویی قرار گرفتند تا این‌که پس از سه روز سکوت، مجتبی لب به اعتراف گشود و راز این جنایت هولناك را فاش کرد. همسرش هم منکر اطلاع از این جنایت شد.

شروع جنایت‌های سریالی

مرد جنایتکار در اعترافاتش گفت: ۱۹ خرداد سال ۹۲ در خانه بودم که یاشار به مقابل خانه‌ام در خیابان کشاورز، خیابان مرتضوی آمد. او یك سررسید به عنوان کادو برای من آورده بود. درباره تمدید خانه صحبت کرد که به توافق نرسیدیم و اصرار کرد باید خانه را تخلیه کنم. با هم درگیر شده و گلویش را گرفتم و فشار دادم. وقتی به خودم آمدم او بی‌حال روی زمین افتاد. نبضش را گرفتم و متوجه شدم فوت کرده است. جسد را به داخل پارکینگ خانه برده و با طناب دست و پایش را بستم و داخل صندوق عقب خودروی خود قرار دادم و رویش پتویی انداختم. سپس با تلفن همراه یاشار با پدرش تماس گرفتم و با او در میدان توحید قرار گذاشتم. با موتورسیکلت سر قرار رفتم. داوود با یك خودروی ال ۹۰ آمده بود. موتور را کنار خیابان گذاشتم و سوار ماشین او شدم. در حال صحبت بودیم که به سمت اتوبان تهران قزوین رفتیم. وقتی به حوالی طالقان رسیدیم، موضوع قتل یاشار را به او گفتم. عصبانی شد و از ماشین پایین آمد سنگی برداشت و ضربه‌ای به کمرم زد. من هم ابتدا سنگی به او زدم و بعد با اسلحه کلت سه تیر به سمتش شلیك کردم که کنار سنگ بزرگی افتاد و جان باخت.

آتش زدن جسد قربانیان

مجتبی ادامه داد: به خاطر این‌که حالم بد بود، سراغ صندوق عقب ماشین مقتول رفتم تا آبی به صورتم بزنم که با یك شیشه الکل در صندوق عقب روبه‌رو شدم. الکل را روی جسد ریختم و با فندك آتش زدم. بعد هم با خودروی ال ۹۰ به سمت کرج حرکت کردم. برای فاش نشدن این جنایت باید فریبا، مادر خانواده را هم می‌کشتم. به همین خاطر با تلفن داوود با او تماس گرفتم و ادعا کردم همسرش در جاده قزوین تصادف کرده است. در ایستگاه وردآورد مترو با او قرار گذاشتم. یك ساعت بعد با مترو به آنجا آمد و به سمت قزوین حرکت کردیم. در میان راه موضوع قتل همسر و فرزندش را به او گفتم که با کیفش شروع به کتك زدن من کرد. داخل ماشین درگیر شده و به زیرگذر کنار اتوبان رفتیم و با شلیك گلوله او را به قتل رساندم. بعد از این جنایت، جسد زن جوان را در داخل خودرویش به آتش کشیدم.
عامل قتل هولناك سه عضو خانواده درباره رها کردن جسد یاشار هم گفت: بعد از آتش زدن جسد فریبا به آن سوی اتوبان رفته و سوار ون شده و به سمت تهران بازگشتم. در میان راه هم گوشی تلفن یاشار و فریبا را به بیرون پرت کردم. وقتی به تهران رسیدم، گوشی داوود را خاموش کرده و گوشی خودم را روشن کردم. خیلی عصبی بودم، به داروخانه رفتم و قرص آرامبخش خریدم. بعد از خوردن قرص‌ها چند ساعت در خانه پدرم استراحت کردم. بعد به محل کارم در یك میوه‌فروشی رفتم و گفتم می‌خواهم به بارفروشی بروم و میوه برای مغازه بخرم. به این بهانه از میدان فلسطین به اتوبان همت رفته و در انتهای اتوبان جسد را از صندوق عقب بیرون آورده و در حاشیه بزرگراه رها کردم. فردای آن روز همراه همسرم به محل رها کردن جسد رفتم که ماموران در حال تحقیق در آن محل بودند.
پس از اعترافات متهم به قتل، از همسرش تحقیق شد که وی مدعی شد از موضوع جنایت خبر نداشته و نمی‌دانسته شوهرش سه نفر را کشته است.
با گزارش ماجرا به ایوب ابراهیمیان، بازپرس شعبه یکم دادسرای جنایی کرج، تحقیقات قضایی از قاتل آغاز شد که مجتبی نزد بازپرس هم به تشریح ماجرا پرداخت.
بازپرس پس از تحقیق از همسر متهم او را به خاطر این‌که در قتل‌ها نقشی نداشت، آزاد کرد.

> مرد جنایتکار با خود عهد کرده تا زمان مرگ راز قتل را فاش نکند، اما پس از ۶ سال جزئیات جنایت را تشریح کرد

عهدی که قاتل با خود بست



بازپرس ابراهیمیان

ایوب ابراهیمیان، بازپرس جنایی کرج در این باره به جام جم گفت: متهم به قتل طی شش سال گذشته و زمان بازرس وقت، چند بار به عنوان مظنون دستگیر و دو ماه هم بازداشت شد اما در تحقیقات منکر اطلاع از جنایت می شد. طبق اعترافات متهم، او با خود عهد بسته بود تا پایان عمر راز این جنایت هولناک را مخفی نگه دارد تا قصاص نشود. به غیر از مجتبی ، مستاجر مقتولان و افراد دیگری هم مظنون بودند اما به دلیل این‌که آخرین تماس قربانیان با او بود، تحقیقات روی او به عنوان مظنون اصلی جنایت متمرکز بود. از شش ماه قبل به این پرونده به صورت ویژه رسیدگی شد که تلاش های شبانه روزی منجر به کشف راز جنایت شد.
بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی کرج ادامه داد: قاتل در مغازه آبمیوه فروشی در مرکز تهران مشغول به کار بود. او صاحب دو فرزند خردسال است و در بازجویی ها می گفت، نگران آینده فرزندانم هستم. در ابتدای تحقیقات همسرش دستگیر شد اما بازجویی ها از قاتل و تحقیقات جنایی نشان داد او از ماجرای قتل ها خبر نداشته و به همین دلیل آزاد شد.
وی درباره شخصیت قاتل گفت: مجتبی مردی آرام و خونسرد است که مدعی است در این سال ها دچار عذاب وجدان بوده اما به خاطر ترس از مجازات اعتراف نکرده بود. متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات تکمیلی از وی در پلیس آگاهی ادامه دارد.

نقشه دامادهای قلابی برای سرقت خودروهای گرانقیمت

دو داماد قلابی که با همدستی یك جاعل حرفه‌ای خودروهای اجاره‌ای گرانقیمت را با سندسازی می‌فروختند هنگام آخرین سرقت دستگیر شدند.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل بهمن سال گذشته مردی باحضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از افرادی به اتهام سرقت خودروی سانتافه‌اش شکایت کرد. بادستور بازپرس بهشتی، ماموران پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران تحقیقات از شاکی آغاز شد.
شاکی به افسر تحقیق گفت: در زمینه اجاره خودروهای مدل بالا در مرکز خدمات مجالس عروسی فعالیت دارم. یك روز دو نفر که یکی از آنها داماد بود برای اجاره خودروی سانتافه به دفترم آمدند و گفتند که آگهی کارمان را در روزنامه و فضای مجازی دیده‌اند. داماد جوان ۶۰ میلیون تومان بابت یك هفته اجاره سانتافه پرداخت کرد و ماشین و کارت آن را اجاره کرد. هشت روز گذشت اما او خودرو را بازنگرداند و پاسخگوی تلفنش نیست.
باتوجه به این‌که خودرو مجهز به جی‌پی‌اس بود معلوم شد خودرو در خانه مردی در شمال‌غرب تهران قرار دارد. ماموران باحضور در آنجا و تحقیق از صاحبخانه که پزشك بود، دریافتند او خودرو را از طریق آگهی ده میلیون تومان زیر قیمت خریده و گمان نمی‌کرده که خودرو سرقتی باشد.
این در حالی بود که صاحبان چند دفتر خدمات مجالس عروسی که در دام همان متهمان فراری گرفتار شده بودند با حضور در پلیس آگاهی از آنها شکایت کردند. تحقیقات نشان داد اعضای این باند سرقت و کلاهبرداری خودروهای اجاره‌ای



از جمله سانتافه و اپتیما را با سندسازی به پزشکان، مهندسان و افراد پولدار فروخته‌اند. بنابراین تصاویر به دست آمده از اعضای این باند در اختیار صنوف مجلس خدمات عروسی قرار گرفت و از افرادی که دفاتری داشتند خواسته شد به محض مراجعه متهمان به مراکز آنها به پلیس اطلاع دهند. چند روز پیش یکی از متهمان که نقش داماد قلابی را بازی می‌کرد برای اجاره خودرو به یکی از مراکز خدماتی رفته بود که در آنجا شناسایی و با حضور ماموران بازداشت شد.
فرید گفت: من و دوستم بیکار بودیم و در میهمانی اتفاقی با بهروز که خلافکار سابقه‌داری بود، آشنا شدیم. از ما خواست نقش دامادهای قلابی را بازی کنیم. طبق نقشه خودروها را همراه کارت آن اجاره کرده و از روی سند ماشین عکس می‌گرفتیم. بعد بهروز که جاعلی حرفه‌ای است سند خودرو را جعل می‌کرد و آن را می‌فروخت. اگر مشتری پیدا نمی‌شد ابتدا خودرو را به نام افراد معتاد کرده و بعد به نام خودمان منتقل می‌کردیم. در برابر این کار پول کمی به معتادان می‌دادیم.
با اعتراف این مرد، دیگر اعضای باند هم شناسایی و دستگیر شدند.

مسی گل زد یک ایرانی سکته کرد

لیونل مسی وقتی گل سوم تیمش به لیورپول را زد، تصور نمی‌کرد در تهران مرد ۴۷ ساله ای بر اثر هیجان گل سکته کند و جان خود را از دست بدهد.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه ۱۲ اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری شهرك غرب در تماس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوك مرد ۴۷ ساله‌ای در خانه‌اش قرار داد. بازپرس جنایی دستور تحقیقات در این باره را صادر کرد. در این مرحله ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند و در جریان تحقیقات متوجه شدند این مرد براثر سکته قلبی فوت شده است. جسد او با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.
ماموران به تحقیق از خانواده وی پرداختند که یکی از آنها به افسر تحقیق گفت: مرد میانسال علاقه زیادی به تماشای بازی فوتبال داشته و لیگ قهرمانان اروپا را دنبال می‌کرده است. وی مشغول تماشای فوتبال بازی بارسلونا و لیورپول بوده که بعد از گل سوم بارسلونا توسط مسی از شدت هیجان حالش بد و در پی حمله قلبی فوت شد.

فرجام

انکار قتل مرد ثروتمند در جلسه محاکمه

زن جوان که متهم است برای گرفتن حضانت فرزندانش، آدمکش‌هایی را برای قتل شوهر سابقش اجیر کرده در دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار گرفت. در جلسه دادگاه زن جوان و دخترش مدعی شدند تحت فشار بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند و در ماجرا نقشی نداشته‌اند.
به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ و همزمان با قتل مرد میانسالی در یکی از محله‌های تهران آغاز شد.
ماموران پس از اطلاع از قتل و حضور در محل جنایت دریافتند، این مرد به تازگی از همسرش جدا شده و همسرش برای گرفتن حضانت دختر و پسرش با وی درگیر بوده است. با افشای این ماجرا پلیس در نخستین گام همسر سابق مقتول به نام مهناز را بازداشت کرد.
اما این زن ادعا کرد از نحوه مرگ شوهر سابقش بی اطلاع است ولی در بازجویی‌های بعدی گفت: من و همسرم اختلاف سنی زیادی با هم داشتیم به همین خاطر هیچ‌وقت رابطه‌مان با هم خوب نبود. او مدتی قبل مدارکی علیه من جور کرد و مدعی شد من با افراد غریبه در ارتباط هستم. در ادامه با همین ادعا مرا طلاق داد. می‌خواستم تا هر طور شده حضانت دختر و پسرم را قبول کنم اما او حاضر نبود سرپرستی فرزندانم را به من بدهد. به همین خاطر ماجرا را به پدرم گفتم. پدرم با وکیل دادگستری به نام رحمان که دوست او بود مشورت گرفت و رحمان پیشنهاد قتل شوهرم را مطرح کرد. قرار بود رحمان ۳۰۰ میلیون تومان برای قتل شوهرم بگیرد. شب جنایت طبق نقشه رحمان و دوستش سعید وارد خانه شوهرم شدند و با هم دستی هم او را خفه کردند.
با اظهارات این زن، رحمان و سعید بازداشت شدند و مشارکت در قتل را گردن گرفتند.
رحمان ۳۳ ساله گفت: من و سعید طبق نقشش وارد خانه مقتول شدیم. که او به محض روبه‌رو شدن با ما شوکه شد. من دستمال گردن او را باز کردم و دور گردنش پیچیدم. سعید هم دهان و بینی او را با دستانش گرفت تا خفه شد.
سعید نیز مشارکت در قتل را پذیرفت و به همدستی در قتل اعتراف کرد.
با اعتراف متهمان برای رحمان و سعید به اتهام مشارکت در قتل و برای مهناز، پدر و دخترش به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده شان به شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد و آنها دیروز به ریاست قاضی زالی و با حضور یك قاضی مستشار از خود دفاع کردند.
در این جلسه اولیای‌دم برای متهمان حکم قصاص خواستند. اما دختر قربانی که حالا ۱۷ سال دارد و در بازجویی‌های قبل به همدستی در قتل اعتراف کرده بود، به قضات دادگاه گفت: من از متهمان هیچ شکایتی ندارم. در اداره آگاهی اذیت شدم و به همین خاطر معاونت در قتل را پذیرفتم.
سپس سعید به دفاع پرداخت و گفت: من هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم و مشارکت در قتل را قبول ندارم.
وقتی رحمان در جایگاه ویژه ایستاد، گفت: من وکیل دادگستری هستم. وقتی مهناز بازداشت شد، بی‌دلیل مرا به‌عنوان قاتل شوهرش معرفی کرد. من بی‌گناهم.
پدر مهناز نیز گفت: من کارخانه‌دار هستم و نیاز مالی نداشتم تا بخواهم به‌خاطر تصاحب اموال دامادم نقشه قتل او را بکشم. من هیچ انگیزه‌ای برای قتل داماد سابقم و فروش اموال او نداشتم و نمی‌دانم چه کسی او را کشته است.
وی به قضات دادگاه گفت: پلیس به‌خاطر این‌که گوشی تلفن همراه من در منطقه کشته شدن دامادم آنتن‌دهی داشته، مرا بازداشت کرد. خانه من در نزدیکی خانه دخترم قرار داشت و طبیعی بود که موبایلم در آن منطقه آنتن‌دهی داشته باشد. من هیچ پولی به وکیل دادگستری ندادم و او را برای کشتن دامادم اجیر نکردم.
مهناز آخرین متهمی بود که از خود دفاع کرد. وی گفت: اتهام معاونت در قتل را قبول ندارم. من در اداره آگاهی تحت‌فشار روانی بودم که به طراحی نقشه قتل اعتراف کردم.
در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.